

تاثیر جغرافیا بر تحولات سیاسی، اقتصادی و مذهبی ری

محمد محمود هاشمی¹

چکیده

ری از مهمترین نقاط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در تاریخ چند هزار ساله این مرز و بوم است. این اهمیت ناشی و برآمده از موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی ری می‌باشد. قرار گرفتن ری میان کویر و سلسله جبال البرز به لحاظ آب و هوایی شرایطی مساعد برای کشاورزی در ری پدید آورده است. قرار گرفتن ری در محلی که پل ارتباط میان شرق و غرب است باعث رونق تجاری و مرکزیت سیاسی ری شد. ولی همین موقعیت ویژه ارتباطی ری گاه به گاه به خطر تبدیل می‌شد که همان یورش مهاجمان و مدعیان قدرت بود. این حملات با خود ویرانی و کشتار را به ارمان می‌آورد. از سوی دیگر قرار گرفتن ری بر روی گسله‌های زلزله این شهر را به محلی زلزله خیز بدل ساخته بود. که هر چند سال با زلزله ای مخرب روبرو بود، ولی تا زمانی که اهمیت تجارتی ری با انحطاط راه ابریشم کاهش نیافت، عوامل مخرب نتوانست از رونق گرفتن دوباره ری جلوگیری کند. زمانی که ری رونق اقتصادی و مرکزیت سیاسی خود را در طی چند سده به یکی از قصبات خود یعنی تهران و انهداد مقبره حضرت عبدالعظیم حسنی توانست این شهر را به عنوان قطب مذهبی پایتخت برکشد.

واژگان کلیدی: ری، ساسانیان، آل بویه، تشیع، مغولان، حضرت عبدالعظیم.

The Influence of Geographical Conditions on Political, Cultural and Religious Developments in Rey

Mohammad Mahmoud Hashemi²

Abstract

During very long history of Iran, Rey is one of the most important political, social, cultural and economic cities. This can be seen as a consequence of its geographical location. By Locating between the central desert and the Alborz mountains, Rey has a good opportunity for agriculture. Very reach Commercial and political opportunities of Rey are a consequence of its locating on a very vital transit road. However this location was an opportunity for the enemies to bloody assault to Rey too. Locating on earthquake faults has caused many destructive earthquakes in the history of Rey. In spite of these undeniable realities, the most important cause for decadence of Rey was descending of importance of the silk way. So in the contemporary days Rey is only a religious city near Tehran.

Keywords: Rey, the Mongols, the Sassanids, the Shi'a, the Buids, Abd-ol-azim e Hasani.

1. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید بهشتی.

2. Ph.D. Student of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University.

مقدمه

منطقه ری در تاریخ ایران از مهمترین مراکز اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به شمار می‌آید و از قدیمی‌ترین نقاط ایران زمین است که انسان در آن سکنی گزید. آثار باستانی به دست آمده در منطقه ری بیانگر آن است که انسانها در هزاران سال قبل از مهاجرت اقوام آریایی در این منطقه زندگی می‌کردند. آثار به دست آمده از مناطقی نظیر چشمه علی که متعلق به دوران نوسنگی می‌باشد بیانگر این مطلب است که انسان از زمانهایی دورتر از آنکه تاریخ مدون داشته، باشد. در منطقه ری زندگی می‌کرده است. شرایط جغرافیایی خاص ری باعث شده بود که امکان زیست انسان در دامن طبیعت این منطقه امکان پذیر باشد. وجود سلسله جبال البرز در شمال ری و بارندگی مناسب در آن، رودهایی و چشمه‌هایی را پدید آورده که اسکان و استمرار حیات و زندگی انسانها را در این منطقه فراهم آورده است. از سویی منطقه ری از سوی شمال در مجاورت سلسله جبال البرز قرار دارد و از سمت جنوب تا دشت کویر امتداد می‌یابد. واقع شدن این منطقه بین کوه و کویر باعث شده است که این منطقه در نقاط مختلف دارای دما و آب و هوای متفاوتی باشد و شمال منطقه ری که قصران نامیده می‌شد، دارای آب و هوای خنک‌تر که در تابستان و سرما و بارندگی بیشتر در زمستان باشد. و بالعکس در منطقه جنوبی‌تر همان منطقه ری است، تابستان گرم و در عوض زمستان کم بارش‌تر و دمای هوا گرم‌تر از منطقه قصران بود، که در کنار کوهستان قرار داشت. اعتدال دما و هوا در نیمه دوم سال باعث می‌شد که منطقه ری مکان مناسب‌تری برای شکل‌گیری منطقه شهری باشد و امکان زندگی جامعه شهری که از جمعیت زیادتری برخوردار بود، فراهم گردد. در عوض در منطقه شمالی کانون‌های کوچک اجتماعی متعددی که تمام روستا بودند فراهم شده بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

ساختار ری به هنگام رونق و آبادانی

ری در قرن هفتم و هشتم قبل از میلاد رونق گرفته بود چون در همین دوره بود که کتاب‌های طوبیت و بهداشت از آن به عنوان یکی از شهرهای معاصر با نینوا و اکباتان نام برده‌اند.¹ ولی بررسی‌های بیشتر بیانگر آن است که آشوریان به این منطقه لشکر کشی داشته‌اند و گروهی از یهودیان را در ری مسکن دادند.² همین مطلب نشان می‌دهد که در این منطقه کانون اجتماعی

1. ابراهام ویلیامز جکسن، سفرنامه جکسن، ترجمه منوچهر امیری، فریدون بدره‌ای (تهران: خوارزمی، 1352)، ص 484.

2. رومن گریشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین (تهران: علمی و فرهنگی، 1383)، ص 120.

بزرگتر از روستا وجود داشته که باعث شده آشوریان به این منطقه لشکر کشی کنند و حتی گروهی از مردم مناطق دیگر را در این منطقه ساکن نمایند. براساس آنچه که در *مجمَل التواریخ* آمده است، ری را منوچهر پادشاه اساطیری ایران بنا کرد.¹ در حالی که در *نزهت القلوب*، *ریاض السیاحه*، *بنای ری* به شیت بن آدم داده شده و منوچهر فقط آن را مرمت کرده است. *قزوینی* در *آثار البلاد* *بنای شهر* را به کیخسرو نسبت می‌دهد و در *مختصر البلدان* و *احسن التقاسیم*، *معجم البلدان* *بنای ری* به «ری» از نوادگان نوح نسبت داده شده است.²

منطقه ای که شهر ری باستان در آن بنا شد مطابق است با جنوب چشمه علی فعلی و طول جغرافیایی آن برابر 51 درجه و 25 دقیقه است و عرض جغرافیایی آن در منطقه دز رشکان و باب بلسیان 35 درجه و 38 دقیقه می‌باشد.³ ری در طول تاریخ دارای اسامی مختلفی بوده است. در کتیبه بیستون رگا، در اوستا رغه، در دوره سلوکیان اورپا، در دوره اشکانیان ارسکیه و در دوره ساسانیان ری، ری اردشیر، رام اردشیر، ریشهر و رام فیروز نامیده می‌شد. نویسندگان عرب آن را «الری» نامیدند و به زمان منصور آن را محمدیه خواندند.⁴ اسامی مختلف ری در طول تاریخ بیان می‌دارد که ری حوادث و اتفاقات مختلفی را از سر گذرانده است و حوادث مختلف طبیعی و سیاسی باعث تغییرات گسترده و سیر صعودی و نزولی این شهر در طی تاریخ چند هزار ساله خود شد. دو تن از دانشمندان شیعی مذهب در قرن پنجم و ششم هجری قمری به نگارش تاریخ ری همت گماشتند. اولین آنها ابوسعید آبی است که در حدود سال‌های 421 یا 422 یا 429 ه. ق در گذشته است. از کتاب او اثری به جای نمانده، ولی مطالبی به نقل از کتابش در آثار دیگر مورخان ذکر شده است. نفر دوم شیخ منتجب‌الدین می‌باشد که به سال 585 ه. ق در گذشته است. کتاب او نیز در گذر زمان و حوادث از میان رفته است و تنها مطالبی از این کتاب در آثار نویسندگان بعدی آمده است.

-
1. *مجمَل التواریخ و القصص*، به تصحیح محمد تقی بهار (ملک الشعرا)، به کوشش محمد رضایی (تهران: خاور، 1318)، ص 43.
 2. ابراهیم ابن فقیه همدانی، *مختصر کتاب البلدان* (لیدن: مطبع بریل، 1302 ه. ق)، ص 268؛ حمدالله مستوفی، *نزهت القلوب* (مقاله سوم)، به کوشش محمد دبیر سیاقی (تهران: طهوری، 1336)، ص 57؛ ابوعبدالله محمد مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، ج 2 (تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، 1361)، ص 575؛ محمد مراد بن عبد الرحمان، *آثار البلاد و اخبار العباد*، به تصحیح سید محمد شاهمرادی، ج 2 (تهران: دانشگاه تهران، 1373)، ص 134؛ زین العابدین شیروانی، *ریاض السیاحه*، به کوشش اصغر حامد (ربانی) (تهران: سعدی، 1339)، ص 669؛ ابوعبدالله یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج 2 (طهران: مکتبه الاسلامی، 1965)، ص 895.
 3. حسین کریمان، *ری باستان*، ج 1 (تهران: انجمن آثار ملی، 1345)، ص 89 - 88.
 4. همان، ص 69 - 67.

ولی آنچه که بر ری در طول تاریخ به‌ویژه تاریخ اسلامی گذشته است در سفرنامه‌های سیاحان مختلف، مسالک و ممالک و تاریخ مورخان آمده است.

ری به لحاظ قدمت به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود.

الف) ری کهنه یا باستانی که «ری برین» یا «ری علیا» بود و در جنوب چشمه علی میان با روی عظیم ری که پیش از اسلام بنا شده بود، قرار داشت و به تدریج از جنوب شرقی گسترش یافت.

ب) «ری زیرین» یا «ری سفلی» که در جنوب شرقی بخش نخستین و جنوب کوه بی‌بی شهربانو فعلی بنا شد. این قسمت از ری بعد از فتح ری به دست اعراب مسلمان و با از میان رفتن استحکامات شهر به ری باستان اضافه شد. در زمانی که مهدی عباسی در سال 158 ه.ق «محمدیه» را در همین منطقه بنا نهاد و قلعه‌ای جهت شهر احداث کرد و خندقی برگرداگرد آن حفر کرد،¹ ری باستان که همان ری برین است، مرکزیت خود را از دست داد و ری زیرین که به روزگار منصور عباسی به نام پسرش مهدی محمدیه نام گذاشته شده بود،² به‌عنوان کانون اصلی زندگی مردم شهر درآمد و ری باستان گوشه‌ای از ریض شهر شد که بیشتر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دادند. آنچه که هم اکنون از ری به جا مانده و شهر ری امروزی است، همان ری برین است و ری زیرین به کلی از میان رفته است.³

ری برین در ایران دوره باستان دارای اهمیت و اعتبار زیادی بود و «ایزدور خاراکیسی» در قرن اول میلادی و مقارن با دوره اشکانیان نوشته که ری از تمام شهرهای ماد بزرگتر است.⁴ منطقه ری در دوره باستان جزء ماد بزرگ بود و یکی از قسمت‌های عمده ماد به شمار می‌آمد و ماد راگیان نامیده می‌شد. داریوش در کتیبه بیستون نام ری را به صورت «رگ» آورده است و در اوستا هم به همین شکل نام ری ثبت شده است.⁵ ری برین در دوره باستان آباد بود و در دوره اشکانیان رونق بیشتری گرفت و برای سال‌ها پایتخت اشکانیان شد. در دوره اشکانیان در شمال شرقی ری برین،

1. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، به تصحیح محمد فروزان، چاپ دوم (تهران: سروش، 1364)، ص 78.

2. احمدبن ابن یعقوب یعقوبی، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، 1347)، ص 51.

3. کریمان، ص 172.

4. حسن پیرنیا، ایران باستان، ج 3، چاپ دوم (تهران: زرین، 1382)، ص 2550.

5. همان، ص 2160.

دژی استوار و بلند بر صخره ای مرتفع بنا شد که مورخین اسلامی آن را «دز رشکان» نامیدند.¹ این دژ به عنوان کهن‌دژ شهر به شمار می‌آمد.² در دوره اشکانیان، ری را ارشکیه می‌گرفتند. به دلیل آن که ری محل اقامت پادشاه اشکانی بود و پایتخت را به نام او ارشکیه می‌گفتند. با برافتادن اشکانیان و به قدرت رسیدن ساسانیان دوباره نام شهر به ری تغییر یافت. چنانچه نام این شهر در کارنامه اردشیر بابکان ری ضبط شده است.³ نویسندگان مسالک و ممالک و مورخین اسلامی نیز نوشته اند که در دوره ساسانی نام ری بر این منطقه نهاده شد. ری دوره اسلامی که همان ری زیرین می باشد از سه قسمت تشکیل می شد:

1. مدینه داخلی که همان شهر درونی یا شارستان است و همان قسمتی می باشد که مهدی عباسی در جنوب شرقی بناهای پیشین در حدود تقی آباد کنونی آن را بنا نهاد. آغاز بنای این قسمت بنا به روایت مجمل التواریخ در سال 152 ه.ق بود⁴ و بنای آن به سال 158 ه.ق پایان پذیرفت.⁵ استخری می‌نویسد که در قسمت شارستان مسجد آدینه قرار دارد و گرداگرد شارستان دیواری است که بیشتر آن خراب شده است.⁶ این مطلب بیانگر آن است که بارویی که در اوایل خلافت آل عباس برگرد شارستان کشیده شده بود، در قرن چهارم ه.ق و به روزگار «اصطخری» رو به ویرانی نهاده بود.

2. مدینه خارجی یا شهر بیرونی یا فصیل (قلعه یا کهن‌دژ) که در شمال شارستان و در جنوب کوه ری بنا شده بود و قلعه بر تپه ای بزرگ بنا شده بود و آن تپه را طبرک می‌خواندند.⁷ این قلعه در جایی بنا نهاده شده بود که به مسجد جامع و دارا الاماره اشراف داشت.⁸ در ابتدا آن را حصن الزینبندی می‌خواندند و بعدها به نام قلعه طبرک خوانده شد. مردم شهر، خود قسمت شارستان را مدینه داخلی و قسمت فصیل یا کهن‌دژ را مدینه خارجی می‌نامیدند.⁹

-
1. ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، به تصحیح، عباس اقبال آشتیانی، به اهتمام محمد رضانی، ج 1 (تهران: خاور، 1320)، ص 61.
 2. کریمان، ص 172.
 3. کارنامه اردشیر بابکان، به اهتمام محمد جواد مشکور (تهران: دنیای کتاب، 1369)، ص 187.
 4. مجمل التواریخ و القصص، ص 526.
 5. همان، ص 269.
 6. ابو اسحق ابراهیم استخری، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1347)، ص 170.
 7. ظهیر الدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به اهتمام برنهارد دارن (تهران: گستره، 1363)، ص 15.
 8. بلاذری، ص 79.
 9. حموی، ص 895.

3. ربض یا بازار به غیر از کهندژ و شارستان مابقی شهر را تشکیل می‌داد و از سوی غرب تمام ری برین و از سمت شرق جیلا باد و از سمت جنوب منطقه جنوب شهر، ربض را تشکیل می‌دادند و تمام داد و ستد و معاملات مردم در این نقاط از شهر که بازارهای مختلف در آن قرارداشت، انجام می‌گرفت. استخری می‌نویسد که ربض آباد بوده است.¹ و مقدسی نیز در *احسن التقاسیم* به آباد بودن بازارهای شهر که در ربض قرار داشت، اشاره می‌کند.² ری دروازه‌های متعددی داشت که بعضی در داخل شهر بود و شارستان را به دیگر نقاط شهر وصل می‌کرد و بعضی از دروازه‌ها در کناره باره شهر قرار داشت و راه‌های ارتباطی با دیگر نقاط ایران از این دروازه‌ها آغاز می‌شد. بناهای ری عموماً از خشت و گل بود و چنانکه ابن حوقل نوشته است، مردم ری خانه‌های خود را از گل می‌ساختند. در بعضی از بناها، سنگ و گچ نیز به کار برده اند.³ یاقوت حموی نیز از به‌کار بردن آجر در بناها سخن گفته است.⁴

آب و هوای ری

براساس آنچه که از منابع مختلف به دست می‌آید، هوای ری در فصل بهار مطبوع و خوش بود⁵ و به سبب همین اعتدال هوا در بهار بود که اشکانیان آن‌جا را پایتخت بهاره خود قرار دادند.⁶ ری در اقلیم چهارم قرار داشت⁷ که از همه اقلیم‌ها به اعتدال نزدیکتر بود.⁸ در هفت اقلیم در باب محاسن محاسن اقلیم چهارم آمده است که «این اقلیم تعلق به آفتاب دارد و وسط معموری عالم و مسکن اشراف اولاد بنی آدم است، و متوطنان این اقلیم به حسب صورت و سیرت افضل اولاد بشرند، و به وفور حسن خلق و لطف طبع مظهر اصناف فضل و هنر.»⁹ دمای هوا در تابستان ری بالا بود و این شهر را به شهری گرم بدل ساخته بود و به دلیل آن‌که شمال ری به‌وسیله کوه بسته بود هوای

1. استخری، ص 170.

2. مقدسی، ص 584.

3. ابن حوقل، *سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)*، ترجمه جعفر شعار چاپ دوم (تهران: امیر کبیر، 1366)، ص 115.

4. یاقوت حموی، 895.

5. همدانی، ص 227.

6. پیرنیا، ص 2550.

7. *مجمل التواریخ و القصص*، ص 480.

8. ابوالحسن ابن فندق بیهقی، *تاریخ بیهقی*، به کوشش احمد بهمنیار، چاپ دوم (تهران: فروغی، بی تا)، ص 27.

9. امین احمد رازی، *هفت اقلیم*، به کوشش جواد فاضل، ج 2 (تهران: علمی، ادبیه، بی تا)، ص 3.

گرفته ای پیدا می کرد، به طوریکه به گرمسیر بودن آن در نزهت القلوب اشاره شده است.¹ در ریاض ریاض السیاحه آمده است: «آبش ناگوار، و هوایش ناسازگار، به سبب آن که شمالش بسته و جنوبش گشاده است در اغلب اوقات هوای آن جا وبائی است.»²

در فصل پاییز اختلاف و تغییر دما زیاد صورت می گرفت.³ محمد مراد بن عبد الرحمان هوای فصل پاییز را در ری به مانند تیری زهر آلود می داند که به خصوص در حق غریبان کمتر خطا می کند.⁴ بارندگی در زمستان بخصوص در منطقه کوهستان های شمالی ری بسیار زیاد بود و ری در عجایب نامه از پربرف ترین مناطق ایران شمرده شده است.⁵ آب و هوای گرم ری در تابستان و اختلاف دمای هوا در پاییز سبب شده بود که مسافران ری که به این آب و هوا عادت نداشتند، دچار رنج و سختی شوند. خاقانی شروانی که بر حسب اتفاق گذرش به ری افتاده بود، از بدی آب و هوای ری چنین شکوه می کند:

«خاک سیاه بر سر آب و هوای ری

دور از مجاوران مکارم نمای ری

از خاص و عام ری همه انصاف دیده ام

جور من است از آب و گل جان گزای ری

دیدم سحر گهی ملک الموت را که پای

بی کفش می گریخت ز دست وبای ری»⁶

بخش شمالی ری در مظهر چشمه علی قرار داشت و به دلیل باز بودن شمال آن هوا در آن جریان می یافت، لذا هوا در آنجا بهتر بود و از سوی دیگر چون در سرچشمه آب قرار داشت، آب نیز در آنجا پاک و سالم بود و نقطه مناسبی برای زندگی و سکونت حاکمان و بزرگان شهر به شمار می آمد. لذا مشاهده می شود که دارالحکومه اشکانیان، کاخ فخر الدوله، ارک سلجوقیان و خانه صاحب بن عباد در این قسمت قرار داشت.⁷ به طور کلی آب و همچنین مسیر حرکت آن نقش تعیین کننده ای در شکل گیری شهرها و تقسیم بندی محله ها داشت. شیب زمین در ری از شمال غرب به جنوب شرق بوده و آب نیز از شمال غرب به جنوب شرق جریان می یافت. لذا مردم ساکن

1. مستوفی، ص 57.

2. شیروانی، ص 669.

3. رازی، ج 3، ص 5.

4. محمد مراد بن عبدالرحمن، ص 135.

5. محمد بن محمود همدانی، عجایب نامه، به کوشش جعفر مدرس صادقی (تهران: مرکز، 1375)، صص 65-64.

6. فضل الدین خاقانی شروانی، دیوان خاقانی شروانی، به کوشش ضیاء الدین سجادی (تهران: بی تا)، ص 443-444.

7. کریمان، ص 20.

در شمال غرب ری، آبی سالم‌تر و پاکیزه‌تر نسبت به سایر بخش‌های ری در دسترس داشتند.¹ دو رود مهم در ری جاری بود که یکی نهر سورین یا روده بود که همان چشمه علی فعلی می‌باشد. یاقوت حموی در معجم البلدان از رود سورین نام می‌برد.² این نام از خاندان بزرگ سورن گرفته شده است³ است³ و اعتماد السطنه در مرآت البلدان نهر سورین را با چشمه علی یکی می‌داند.⁴ این آب از محله محله روده می‌گذشت،⁵ که از محلات اصلی و از مراکز عمده داد و ستد مردم بود. مردم آب این رود رود را مکروه می‌داشتند، چرا که می‌پنداشتند شمشیری که با آن یحیی بن زید را کشته اند در این نهر شسته شده است.⁶ این مطلب بیانگر گرایش مردم ساکن در حوالی رودخانه سورین به تشیع در قرن سوم و چهارم است از سویی دیگر بیانگر این مطلب است که به دلیل گذر نهر از داخل شهر و آلوده شدن آن، که در گرمای هوا خطر ایجاد بیماری‌های واگیر از این آب افزوده می‌شد، آب این رودخانه برای شرب و استفاده مناسب نبوده است. ابودلف خود به وبا خیز بودن آب ری اشاره دارد.⁷ در آثار البلاد نیز آب ری از آلوده‌ترین آبها شمرده شده است، چرا که اهل شهر همه نجاسات را در آن می‌شستند و آب گرمابه‌ها نیز به آن داخل می‌شد.⁸ لذا مردم از آب‌های چاه و یا رود جیلانی¹⁰ و یا قنات‌ها¹¹ استفاده می‌کردند.

رود دیگری که در ری جریان داشت، رود جیلانی بود که از محله ساربانان می‌گذشت.¹² مسیر این رود نیز از شمال غرب به جنوب شرق بود و احتمالاً در محلی مطابق با مسیل حسین‌آباد

1. همان، ص 19.

2. حموی، ج 3، ص 186.

3. کریمان، ص 131.

4. محمد حسن خان اعتماد السطنه (صنیع الدوله)، مرآت البلدان، ج 4، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ج 4 (تهران: دانشگاه تهران، 1368)، ص 2217.

5. ابن حوقل، ص 121.

6. ابودلف، سفرنامه ابودلف در ایران، به کوشش ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبایی (تهران: فرهنگ ایران زمین، 1342)، صص 74-75.

7. همانجا.

8. محمد مراد بن عبد الرحمان، ص 135.

9. ابن حوقل، ص 121.

10. استخری، ص 170.

11. حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده (تهران: دانشگاه تهران، 1340)، ص 142.

12. ابن حوقل، ص 121.

کنونی قرار دارد.¹ نام این رود از روستایی به نام جبل‌آباد گرفته شده بود که معرب همان گیل‌آباد می‌باشد و در شرق ری قرار داشت و مرداویج زیاری آن را بنا نهاد که در زمان زندگیش معروف به مرداویج گیل بود. چون نهر جیلانی از آن می‌گذشت این نام از همین روستا و از نام مرداویج گرفته شده باشد. این رود قبل از بنای روستای جبل‌آباد معروف به نهر موسی بوده است.² نام موسی نیز برگرفته از نام موسی ال‌هادی خلیفه عباسی بود که آبادی‌های را از جمله روستایی به نام موسی آباد در ری بنا کرده بود.³ قنات‌هایی نیز در ری جاری بود. از جمله می‌توان به قنات شهبی یا شاهی اشاره اشاره کرد که استخری از آن نام برده و در محله ساریبانان بوده است،⁴ احتمالاً نام این قنات از نام رکن‌الدوله دیلمی گرفته شده است که دارالاماره اش در شمال محله ساریبانان در محله دزرشکان ساخته شده بود و این قنات جهت آن به وجود آمده بود.⁵ از جمله قنات‌های دیگر می‌توان به قنات نصرآباد اشاره کرد که این قنات به وسط مدینه (شارستان) جاری بود و نصرآباد یکی از محل‌های ری منصوب به نصر بن عبدالعزیز والی ری به زمان ابوالعباس سفاح بود.⁶ قنات عبد الوهاب و قنات قرشی دیگر قنات‌های ری بودند که مردم از آن‌ها استفاده می‌کردند.

تاثیرات جغرافیا بر اقتصاد ری

ری شهری بزرگ بود و جمعیت بسیاری داشت. در حدود العالم، ری شهری عظیم و آبادان توصیف شده که جمعیت و ثروت و بازرگانان بسیار دارد.⁷ ثروت ری مقارن با فتح ایران به دست اعراب آن چنان زیاد بود که غنائم جنگی مسلمانان در فتح ری با غنائم به دست آمده از مدائن پایتخت ساسانیان برابری می‌کرد.⁸ یعقوبی در تاریخ خود ری و توابع آن را در زمان خلافت معاویه بن ابن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

1. کریمان، صص 143-144.
2. یعقوبی، البلدان، ص 51.
3. حموی، ج 4، ص 681؛ همدانی، ص 282.
4. استخری، ص 170.
5. کریمان، ص 148.
6. حموی، ج 4، ص 681.
7. حدود العالم من المشرق الی المغرب، ص 142.
8. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج 5، چاپ ششم (تهران: اساطیر، 1383)، ص 1975.

سفیان سی میلیون درهم ذکر کرده است،¹ که در زمان خود رقم قابل توجهی به شمار می‌آمد و بیانگر رونق اقتصادی منطقه ری می‌باشد. رونق اقتصادی ری باعث شده بود که ری در قبل و بعد از اسلام محل ضرب سکه باشد.

اقتصاد ری در سه جنبه کشاورزی، تجارت و صنعت و هنر دارای رونق بود، که رونق هر کدام از این حرف و مشاغل نشأت گرفته از شرایط خاص جغرافیایی ری بود. ری در کنار سلسله جبال البرز قرار داشت و بارندگی‌های فراوان در کوهستان‌های شمال ری باعث فراوانی آب منطقه ری شده بود. آب ری از سه منبع آب رودخانه‌ها، آب چاه و آب قنات‌ها تامین می‌شد. اضافه آب مصرفی شهر ری که بیشتر آب نهرها بود برای استفاده کشاورزی به کار می‌رفت.² از سوی دیگر خاک حاصلخیز ری و توابع آن و هوای نسبتاً گرم ری امکان کاشت و برداشت مضاعف محصول را در بعضی از نقاط فراهم می‌کرد و باعث ازدیاد محصولات کشاورزی این منطقه از ایران می‌شد. آثار البلاد ری را به کثرت غلات و ثمراتش ستوده است.³ امین احمد رازی در هفت اقلیم درباره حاصلخیزی ری نوشته که این شهر نه تنها نیازهای خود را به محصولات کشاورزی تامین می‌کرده، بلکه بیشتر نیازهای قزوین و کاشان و بخشی از نیازهای رستمدار، ساوه و قم را نیز رفع می‌نموده است.⁴ محصولات مختلفی در ری به ثمر می‌رسید که مهمترین آن‌ها غلات و پنبه و میوه میوه ری بود. غله و پنبه ری بسیار خوب و ارزان بود و فراوانی غلات سبب شده بود که قحطی به ندرت در ری رخ دهد و از ری گندم و ارزاق بسیاری از ولایات تامین می‌شد.⁵ پنبه ری نیز به بغداد و آذربایجان برده می‌شد.⁶ ری به علت داشتن منابع آبی فراوان، باغ‌ها و درختان بسیاری داشت⁷ و همین امر سبب شده بود تا انواع میوه در آن دیار خوب و فراوان باشد.⁸ میوه‌هایی نظیر انجیر، توت و

1. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج 2، چاپ هفتم (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1374)، ص 166.

2. جکسن، ص 485.

3. محمد مراد بن عبدالرحمن، ص 135.

4. رازی، ج 3، ص 4.

5. مستوفی، ص 58.

6. استخری، ص 171.

7. یعقوبی، البلدان، ص 51.

8. رازی، ج 3، ص 4.

و انگور در فصل پاییز در ری ارزان و فراوان بود.¹ انار و امروود ری نیز مرغوب بود² به طور کلی ری شهری پر میوه بود.

میوه‌های ری بیشتر از کوهستانهای ری (قصران) به دست می‌آمد، که هم منابع آبی بیشتر و هم هوای مطلوبی برای پرورش درختان میوه داشت.³ فراوانی میوه ری سبب شده بود که بازاری بزرگ و مهم در ری فقط مخصوص میوه فروشان باشد. این بازار در نزدیکی مسجد جامع مهدی قرار داشت.⁴ آب و هوای کوهستان‌های ری مراتع خوبی را جهت پرورش گوسفند فراهم کرده بود. لذا مردم ساکن در کوهستانهای ری به مانند سایر مردم جبال گوسفند زیاد داشتند و غذایشان بیشتر لبنیات بود. در حدود العالم نیز به صدور روغن حیوانی ری اشاره شده است.⁵

تجارت و بازرگانی در ری از رونق خاصی برخوردار بود. ری به لحاظ جغرافیایی در منطقه ای از ایران واقع شده بود که مرکز ارتباطی میان شرق و غرب ایران بود. از سوی دیگر راه ارتباط سرزمینهای کناره دریای مازندران نیز از ری می‌گذشت و راهی ارتباطی نیز از ری به سمت جنوب تا کرانه‌های خلیج فارس وجود داشت و بدین ترتیب ری مرکزیت ارتباطی خاصی در ایران یافته بود. ری بر سر راه مهم و جهانی ابریشم قرار داشت که از چین تا اروپا کشیده شده بود و محصولات مختلف از چین، هند، آسیای صغیر، یونان، روم و دیگر مناطق مهم اقتصادی دنیا از این راه به ری می‌آمد و از ری به نقاط دیگر انتقال می‌یافت، لذا فضای مناسبی برای تجارت و کسب در ری فراهم شده بود و بی سبب نیست که ابن فقیه در کتاب *مختصرالبلدان* ری را «باب التجار» نامیده است⁶ و یاقوت حموی در *معجم البلدان* ری را محل تجارت مردمان دانسته است.⁷ تجار از سرزمینهای مختلف کالاهای خود را برای فروش از راههای ارتباطی ری حمل می‌کردند و عمده تجارت ری بوسیله یهودیان انجام می‌شد که به زبان‌های فارسی، رومی و عربی آشنایی داشتند.⁸ ری

1. محمد مرادبن عبدالرحمان، ص 135.

2. مستوفی، ص 59.58.

3. ابودلف، ص 75.

4. مقدسی، ص 584.

5. حدود العالم من المشرق الى المغرب، ص 142.

6. همدانی، ص 270.

7. حموی، ج 2، ص 896.

8. همدانی، ص 270.

ری دارای بازارها و مراکز تجارتی بزرگی بود¹ که بازار روده از تمام آنها آبادان تر بود.² دروازه‌های مهمی در ری وجود داشت که بر سر شاهراه‌های ارتباطی مهم ری قرار داشت از آن جمله دروازه باطن (باب طاق) بود که به سوی جبال و عراق و از آنجا به بغداد می‌رفت.³ دروازه بلسیان در شمال شمال غرب ری واقع بود و به قزوین،⁴ دیلم و آذربایجان می‌رفت. دروازه هشام به سوی قومنس و خراسان⁵ می‌رفت و نام دیگرش دروازه خراسان بود. و دروازه کوهکین نیز راهی داشت که به طبرستان متصل می‌شد.⁶ باب سین به سمت قم⁷ و جنوب ایران می‌رفت و محصولات جاده ابریشم ابریشم از این راه به جنوب ایران حمل می‌شد.

قرار گرفتن ری در مرکز ارتباطی و ورود اجناس مختلف به ری و رفت و آمد هنرمندان به ری باعث شکوفایی و گسترش صنعت و هنر در ری شد و سفال‌سازی، تولید ظروف و اشیاء فلزی و شیشه‌ای و پارچه بافی در ری صورت می‌گرفت. مردم ری از دوران قبل از تاریخ به سفال‌سازی می‌پرداختند و در دامنه جنوبی کوه چشمه‌علی و زمینهایی که مشرف به باغ صفائیه می‌باشد بقایای ظروف سفالین منقش پیدا شده که متعلق به شش تا چهار هزار سال پیش است.⁸ هنر سفال‌سازی در ری رو به تکامل نهاد و جلوه‌گر هنر و ذوق اهل ری شد: «زیباترین ظرفهای کار ری آنهاست که دارای نقوش برجسته است. طرح را جداگانه می‌ساختند و به رنگ طلایی می‌آراستند و آنگاه آن را روی ظرف می‌چسباندند. این نقشهای طلایی روی زمینه سفید شفاف قرار می‌گرفت.»⁹

هنر اهل ری تنها به سفالگری خلاصه نمی‌شد. آنها آجرهای منقش می‌ساختند و در بناهای خود به کار می‌گرفتند.¹⁰ همچنین در ری صنعت کاشیگری نیز وجود داشت.¹¹ محصولات سفالگری اهل ری نه تنها استفاده داخلی داشت، بلکه به سرزمینهای دیگر نیز حمل می‌شد. مولوی

1. مقدسی، ص 582.

2. ابن حوقل، ص 121.

3. استخری، ص 170.

4. ابن حوقل، ص 121.

5. همان‌جا.

6. همان‌جا.

7. همان‌جا.

8. کریمان، 557.

9. آرتور پوپ، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه و نگارش: پرویز ناتل خانلری (تهران: صفی‌علیشاه، 1338)، ص 83.

10. حموی، ج 2، ص 893.

11. حدود العالم من المشرق الی المغرب، ص 142.

در حین ذکر داستانی در مثنوی به حمل کاسه‌های رازی (ساخته شده در ری) توسط یک قافله تجاری اشاره دارد.¹ هنر اهل ری بر روی چوب نیز یکی از منابع درآمد صنعتگران ری بود. چوبهایی که از راههای ارتباطی شمالی از طبرستان به ری می‌آمد، در ری به ابزارهایی تبدیل می‌شد و برای فروش به شهرهای دیگر حمل می‌گردید. از چوبهای بسیار محکم فلنج که از طبرستان می‌آمد ظروف و سایل چوبی مزین ساخته می‌شد.²

ری چون بر سر راه ابریشم قرار داشت و منسوجات مختلف از سرزمینهای دور و نزدیک به ری می‌آمد و از سوی دیگر پنبه خیز بودن و دامداری در نواحی کوهستانی که به استحصال پشم گوسفند می‌انجامید، یکی از مناطق مستعد ایران برای انجام فرآیندهای مختلف نساجی از بافت، رنگرزی و تکمیل پارچه بود. ری مرغوب‌ترین منسوجات را تولید می‌کرد و منیرازی که نوعی جامه بود، مرغوب‌ترین البسه پاییزی نزد ایرانیان بود.³ در آثار سیاحان و مسالک نویسان مختلف نیز به تولید این قبیل پارچه اشاره شده است. ابودلف پارچه‌های ری را در دنیا بی نظیر دانسته است.⁴ مختصر البلدان از حریر ری سخن گفته است⁵ و در حدود العالم نیز از کرباس، برد و طلیسان‌های پشمین ری سخن به میان آمده⁶ و کرباس‌ها و گلیم‌های ری نیز پاکیزه بود. مقدسی نیز از تولید پارچه‌های نامبردار در ری خبر داده است.⁷

تاثیرات جغرافیا بر تاریخ سیاسی ری

جغرافیای ری از جهات مختلف بر تاریخ سیاسی ری اثر گذار بوده است. وجود مناطق کوهستانی البرز در شمال ری، قرار گرفتن ری در مرکز ایران زمین به طوری که پل میان شرق و غرب ایران بود و از سوی دیگر قرار گرفتن ری در مرکزیت راههای ارتباطی ایران اهمیت سیاسی ویژه ای به منطقه ری می‌داد، به طوری که تمام صاحبان قدرت سعی در به چنگ آوردن این منطقه داشتند. از سوی دیگر کسانی که به هر دلیل قصد گریز از دستگاه سیاسی حاکمه را داشتند و پناهگاهی برای خود

1. جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، به اهتمام رینولد نیکلسن، چاپ پانزدهم (تهران: امیر کبیر، 1383)، ص 1062.

2. محمد مرادبن عبد الرحمان، ص 135.

3. ابومنصور ثعالبی، غرر السیر (تهران: مکتبه الاسدی، 1963 م)، ص 710.

4. ابودلف، ص 75.

5. همدانی، ص 253.

6. حدود العالم من المشرق الی المغرب، ص 142.

7. مقدسی، ص 583.

می‌جستند، کوهستانهای ری و سلسله جبال البرز بهترین پناهگاه برای در امان ماندن از تیغ زورمندان حاکم بود. ری در آثار مختلف تاریخی، مسالک و سفرنامه‌ها از توابع نقاط مختلف ذکر شده که بیانگر قرار گرفتن ری در منطقه حد واصل میان غرب و شرق ایران است.

در زمان اوج گیری قدرت آشوریان که با تاخت و تاز آنها در ایران زمین همراه بود، ری یکی از سه ایالت ماد سفلی بود¹ که به زیر تسلط آشوریان در قرن هفتم قبل از میلاد درآمده بود. با شکل‌گیری حکومت ماد و برافتادن نفوذ آشوریان از سرزمین ماد، ری نیز یکی از مناطق اصلی ماد بزرگ شد و تحت حاکمیت مادها درآمد. بنابر کتیبه بیستون که به فرمان داریوش نوشته شده، در دوره هخامنشیان نیز ری جزء ساتراپ ماد به شمار می‌آمد² و ماد یکی از مناطق اصلی و حساس حکومت هخامنشی بود. در دوره اشکانیان یکی از هجده منطقه حکومتی ماد بزرگ به پایتختی ری و همدان بود.³ خاندان مهران که به روزگار اشکانیان در ری فرمانروایی داشت،⁴ در دوره ساسانیان نیز ری را تحت نفوذ خود داشت. خاندان مهران ادعا داشتند، که از نسل اشکانیان هستند و بهرام چوبین با همین ادعا در اواخر سلطنت هرمز چهارم و اوایل سلطنت خسرو پرویز سربه شورش برداشت.⁵ خسرو پرویز پس از غلبه بر بهرام چوبین ری را به همراه خراسان و گرگان تحت حاکمیت حاکمیت بندوی و بسطام دایی‌هایش درآورد⁶ و بدین ترتیب ری را به حوزه حکومتی خراسان افزود. ری در دوره اسلامی مورد منازعه سلاطین و حاکمان مناطق مختلف بود و مورخین و مسالک نویسان نیز هر کدام ری را بسته به نظر خود جزء ایالت جبال یا دیلم آورده اند. نویسنده *البداء و التاریخ* ری و قزوین را آخرین شهر منطقه جبال و حد واسط میان خراسان و دیلم می‌داند.⁷ در *غرر السیر* ثعالبی نیز آمده است که انوشیروان مملکتش را به چهار قسمت تقسیم کرد که قسمت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

1. ایگور دیاکوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ چهارم (تهران: علمی و فرهنگی، 1377)، ص 89.

2. پیرنیا، ج 1، ص 543.

3. مالکوم کالج، تاریخ اجتماعی پارتیان، ترجمه مسعود رجب نیا (تهران: دنیای کتاب، 1374)، ص 52.

4. همان، ص 55.

5. آرتور کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ سوم (تهران: صدای معاصر و ساحل، 1382)، ص 317.

6. ابوعلی بلعمی، تاریخ بلعمی، به تصحیح محمد تقی بهار (ملک الشعراء) به کوشش محمد پروین گنابادی، چاپ چهارم (تهران: زوار، 1388)، ص 755.

7. مطهر بن طاهر مقدسی، *البداء و التاریخ* (آفرینش و تاریخ)، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، ج 4 (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1350)، ص 64.

دوم آن کور الجبل بود که شامل ری نیز می شد.¹ منظور از جبال در آثار نویسندگان اسلامی همان ولایت ماد است که بیرونی در آثار الباقیه بر آن تاکید کرده و نام ولایت جبال را ماه نامیده که منظورش همان ماد می باشد: «... دوره سلطنت اشکانیان که بلاد عراق و ماه یعنی جبال را مالک شدند...»² یعقوبی نیز در تقسیم بندی ولایات، ری را از توابع جبال ذکر می کند.³ گروهی دیگر ری را از توابع دیلم دانسته اند. از آن جمله سمعی است که ری را شهری بزرگ از بلاد دیلم می داند که میان قومس و جبال است.⁴ ابن حوقل نیز در *صورة الارض* ری را از ضمیمه دیلم ذکر می کند.⁵ علی بن رستم این مسائل، خلیفه المکتفی عباسی در سال 290 ه.ق ری را ضمیمه قلمرو امیر اسماعیل سامانی نمود که امیر خراسان و ماوراءالنهر بود.⁶ به طور کلی ری در دوره خلفای عرب منطقه کشمکش میان حاکمان خراسان، جبال و دیلم و طبرستان بود و به علت موقعیت سوق الجیشی ری که پل ارتباطی شرق و غرب ایران بود و هر کدام از مدعیان قدرت مایل بودند که این شهر را در تصرف خود داشته باشند. خاقانی شروانی در شعری که در وصف ری سروده به اهمیت سوق الجیشی ری اشاره دارد:

«پشت عراق و روی خراسان ری است ری پشتی چه راست دارد و، رویی چه نازنین»⁷
واقع شدن ری در چنین نقطه حساسی سبب می شد که هم امرای جبال، آذربایجان، دیلم، طبرستان و گرگان و هم امرای خراسان هر زمان که قدرتشان در منطقه تحت سیطره شان تثبیت می شد به فکر به چنگ آوردن ری باشند. سال ها کشمکش میان سامانیان، غزنویان، آل بویه، آل زیار و علویان بر سر ری و از سوی دیگر جنگ های میان خوارزمشاهیان، سلجوقیان و اتابکان آذربایجان در ری بیانگر همین اهمیت سوق الجیشی ری می باشد. یکی از عوامل ویران شدن چند باره ری همین لشکر کشیها بود.⁸

1. ثعالی، ص 609.

2. ابوریحان بیرونی، *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، چاپ ششم (تهران: امیرکبیر، 1389)، ص 154.

3. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 218.

4. ابوسعید عبدالکریم سمعی، *الانساب*، تقدیم و تعلیق عبدا. عمرالبارودی، ج 3 (بیروت: دارالجنان، 1988)، ص 23.

5. ابن حوقل، ص 120.

6. طبری، ج 15، ص 6725.

7. خاقانی شروانی، ص 797.

8. محمد مراد بن عبدالرحمان، ص 134.

جنگهای سرنوشت سازی در تاریخ ایران اسلامی در ری رخ داده است. مهمترین آنها عبارتند از:

1. نبرد طاهر بن حسین با علی بن عیسی بن ماهان: اختلاف امین و مامون عباسی بر سر خلافت میدان جنگ را به صحنه ری کشاند. سپاه امین به فرماندهی علی بن عیسی بن ماهان از بغداد راهی خراسان بود تا مامون را از میان بردارد. سپاه مامون نیز به فرماندهی طاهر بن حسین برای مقابله با سپاه امین رهسپار شد و دو سپاه در حوالی ری با یکدیگر برخورد کردند. سپاه مامون زودتر به ری رسید و در ری مستقر شد، ولی طاهر علی رغم کمتر بودن عده سپاهیانش حاضر نشد که در شهر متحصن شود و گفت اگر متحصن در شهر شود، خود را ناتوان جلوه داده و مردم ری به سپاه دشمن متمایل می شوند و مشکلات بزرگتری برای سپاه مامون فراهم می سازند.¹ طاهر در این جنگ سپاه امین را شکست داد و این پیروزی نقطه عطفی در منازعه میان امین و مامون بود و مامون دست بالا را در نبرد پیدا کرد و توانست خلافت را از امین بگیرد.

2. نبرد امیر اسماعیل سامانی با محمد بن هارون سرخسی فرمانده عاصی سامانی که به تسلط سامانیان بر ری انجامید. در این نبرد امیر اسماعیل سپاه محمد بن هارون سرخسی را مغلوب کرد و محمد بن هارون با عده ای از سپاهیانش به دیلمان گریخت² از این زمان به بعد ری برای همیشه از حکومت مستقیم خلفای عباسی خارج شد.

3. نبرد علاءالدین تکش خوارزمشاه و طغرل سوم در ری به سال 590 ه.ق که در این نبرد سپاه طغرل سوم مغلوب شد و طغرل نیز به قتل رسید به فرمان تکش سر اورا به بغداد فرستادند و تنه اش را در بازار ری آویختند.³ با قتل طغرل حکومت سلجوقیان در ایران پایان یافت و خوارزمشاهیان بر ایران مسلط شدند.

ری به علت قرار گرفتن در میان راه ارتباطی شرق و غرب، شهری بود که همواره در هنگام غلبه اقوام بیگانه در مسیرگریز پادشاهان و سلاطین مغلوب ایران قرارداد داشت و به همین علت گاه صدمات بسیاری از قشون خارجی متحمل می شد. داریوش سوم پس از شکست از اسکندر مقدونی در هنگام فرار به سمت شرق ایران از ری گذر کرد و اسکندر که به سرعت در پی او بود با

1. احمد بن ابن داوود دینوری، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی (تهران: نشر نی، 1366)، ص 439.

2. ابوعلی ابن مسکویه، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، ج 5 (تهران: توس، 1367)، ص 26.

3. عظاملک جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، به کوشش محمد قزوینی، ج 2، چاپ چهارم (تهران: دنیای کتاب، 1385)، ص 32.

گروهی از سپاهیان زنده اش وارد ری شد و مدت پنج روز در این شهر استراحت کرد.¹ زمانی که یزدگرد سوم پس از شکست نهبوند به شرق ایران می‌گریخت، مورد تعقیب سپاه عرب قرار گرفت و اعراب به ری حمله کردند و به صلح ری را گشودند.² «نعیم (فرمانده اعراب) شهر آنها را که عنوان «کهن» داشت، یعنی شهر ری را ویران کرد و به زینبی (ایران که با اعراب صلح کرد) دستور داد که شهر نوین ری را بنیان کرد³ استحكامات قوی ری در قسمت کهن که آن را نفوذ ناپذیر می‌ساخت، می‌ساخت، سبب شد که اعراب برای جلوگیری از عصیان اهل ری تصمیم به تخریب ری و بنا کردن آن در قسمتی باز و بدون حفاظ بگیرند. سلطان محمد خوارزمشاه که از هجوم مغولان از مقر حکومتی خود فراری شد، نیز گذرش به ری افتاد و سپاهیان مغول در طلب او به ری لشکر کشیدند و کشتار وسیعی در ری صورت گرفت. نجم الدین دایه رازی که مقارن با حمله مغول زندگی می‌کرد در مقدمه مرصاد العباد نوشت که بیش از پانصد هزار نفر در طی یورش مغولان به ری کشته و اسیر شدند؛ این در حالی است که مستوفی، رقم مقتولین ری در اثر حمله مغول را یکصد هزار نفر ذکر می‌کند.⁴

لشکرکشیهای داخلی به ری گاه با جنگی در ری روبرو نمی‌شد، ولی صدمات عمده ای به شهر وارد می‌ساخت. چنانکه لشکر کشی محمود غزنوی برای تصرف ری چنین بود. محمود در سال 420 ق شهر را بدون هیچ رنج و تکلفی گرفت⁵ و عده زیادی از شیعیان را به دار آویخت و کتابهای فلسفی، شیعی و معتزلی را به آتش کشید.⁶ وی در نامه ای به خلیفه عباسی از فتح خود سخن گفت و نوشت که اموال زیادی از خزانه آل بویه به غنیمت گرفته و کتابهای کتابخانه ری را با پنجاه شتر به خراسان فرستاده است.⁷ فرخی سیستانی در قصیده ای محمود غزنوی را به خاطر کشتار شیعیان و بر انداختن حکومت شیعی آل بویه در جبال مدح گفت:

« ای ملک گیتی! گیتی تو راست حکم تو بر هر چه تو گوئی رواست

-
1. پیرنیا، ج 2، ص 1389.
 2. طبری، ج 5، ص 1975-1976.
 3. همان، ص 1975.
 4. نجم الدین دایه رازی، مرصاد العباد، به اهتمام محمد امین ریاحی (تهران: علمی و فرهنگی، 1384)، ص 17؛ مستوفی، ص 57.
 5. عبدالحی گردیزی، زین الاخبار، به کوشش عبد الحی حبیبی (تهران: دنیای کتاب، 1363)، ص 417.
 6. عبدالرحمن ابن خلدون، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج 3 (تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1366)، ص 539.
 7. عبدالرحمن ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، جزء الثامن (حیدر آباد رکن: مطبعه دایره المعارف العثمانیه، 1359 ق)، ص 38-40.

ملک ری از قرمطیان بستدی
هر که از ایشان به هوا کار کرد
بس که ببینند و بگویند کهین
میل تو اکنون به منا و صفاست
برسر چوبی خشک اندر هواست
دار فلان مهمتر و بهمان کیاست¹

شدت عمل محمود غزنوی نسبت به شیعیان ری و غارت خزانه و کتابخانه ری بیانگر آن است که غزنویان احساس تعلقی به ری نداشتند و سعی کردند تا با غارت خزانه ری غزنین را آبادتر سازند. این حس عدم تعلق که با شدت عمل و نمایش اقتدار غزنویان همراه بود، در کلمات مسعود غزنوی کاملاً هویدا و آشکار است: «مردم (ری) قومی‌اند که خراسانیان را دوست ندارند، آنجا حشمتی باید هر چه تمام تر، با آن کار پیش رود و اگر به خلاف این باشد، زبون گیرند و آن همه قواعد زیر و زبر شود.»² در معرض هجوم و حمله بودن ری سبب می شد که ورودی خانه‌ها در ری در تاریکی باشد، تا ورود و خروج از آن دشوار گردد. چرا که لشکرهای بسیار از کنار این در گذر می کردند و اگر لشکر دشمن بود، دست به نهب و غارت می زد و اگر از لشکریان داخل شهر بود، ممکن بود که به تعدی و عنف در خانه‌های فرود آید، لذا معبر خانه‌ها را تنگ و تاریک می ساختند³ و حتی در زیر زمین نیز برای خود خانه بنا می کردند.⁴ سلاطین و حاکمانی که به ری تسلط می یافتند نیز برای در امان ماندن از هجوم شورشیان و یا رقبای سیاسی خود در مستحکم کردن برج و باروی شهر و بنا کردن قلعه‌های مستحکم کوشش می کردند.

مهدی عباسی در پی افکندن ری زیرین کوشید و برج و باروی شهر را مستحکم ساخت. استحکامات مختلفی برای محافظت از ری بنا شده بود که مهمترین آنها قلعه طبرک بود. بنیانگذار این قلعه بر طبق منابع قدیمی که از اساطیر گرفته شده منوچهر است، اما براساس شواهد می توان گفت که این قلعه در دوره اسلامی به جای دژ رشکان (که در دوره اشکانی بنا شده بود) پی افکنده شده است. ابودلف از کوهی در ری یاد می کند که رافع بن هرثمه بر آن دژی استوار بنا کرد.⁵ در

1. ابوالحسن علی فرخی سیستانی، دیوان فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم (تهران: زوار، 1349)، ص 18.20.

2. ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، ج 2، چاپ دهم (تهران: نشر مهتاب، 1385)، ص 616.

3. محمد مراد بن عبدالرحمن، ص 134.

4. مولوی در بیتهی از اشعار خود به این مطلب اشاره دارد:

« عمارت‌بست خراباتیان شهر مرا که خانهاشان نهان در زمین چو ری باشد»

دیوان شمس تبریزی، به کوشش م. درویش، ج 1، چاپ دوازدهم (تهران: جاویدان، 1375)، ص 384.

5. ابودولف، ص 72.

معجم البلدان نیز آمده که رافع بن هرثمه در سال 288 ه.ق قلعه زیندی را مرمت کرد.¹ قلعه طبرک بر روی کوه کوچکی ساخته شده بود و در هنگام مسافرت به خراسان در سمت راست مسافران قرار داشت.² مرعشی در تاریخ طبرستان درباره دلیل نامیده شده قلعه بدین نام می نویسد: «در میان صحرای قلعه ری (کهندژ) تپه بزرگی واقع است، آن تپه را طبرک می خوانند، یعنی کوهک به کاف تحقیق، به سبب سایر جبال که در آن حوالی واقع است، و آن قلعه را از آن سبب به این اسم موسوم گردانیدند.»³

قلعه طبرک چنان بر شهر مسلط بود که اگر فردی برآن می رفت و به درون شهر می‌نگریست بر تمام بامهای خانه‌ها اشراف داشت.⁴ سرانجام این قلعه به دستور طغرل سوم خراب شد، چرا که او معتقد بود که قلعه طبرک به مانند ماری دو سر است که هم عراق و هم خراسان را می‌بلعد و برای همین بهتر آن است که از بن برکنده شود. در سال 588 ه.ق یا 589 ه.ق آن را ویران کرد.⁵ همانطور که طغرل آخرین سلطان سلجوقیان عراق گفته بود، قلعه طبرک امکان دفاع موفق از شهر را بیشتر می‌کرد و به عنوان مقری حکومتی برای هر رقیبی در می‌آمد که هم حاکمان غربی و هم حاکمان شرقی ایران را با مشکل مواجه می‌ساخت. علاوه بر طبرک چندین دژ دیگر در ری وجود داشت که می‌توان به قلعه‌های باطان، بلسیان، رشکان، عابس، کندکوه و سرچاهان اشاره کرد.

ری در طول عمر چند هزار ساله خود چندین بار به عنوان پایتخت حکومتگران انتخاب شد و یا به دلیل اهمیت اقتصادی و سیاسی خود بازسازی شد و رونق یافت. در زمان فرمانروایی سلوکوس اول، ری در اثر زلزله ویران شد، ولی سلوکوس ری را دوباره تجدید بنا کرد و آبادان نمود و به یاد و طن خود در مقدونیه آن را اورپس نام نهاد.⁶ در دوره اشکانیان نیز ری اقامتگاه شاهان اشکانی بود.⁷ مهدی عباسی نیز ری زیرین را بنیان نهاد.

1. حموی، ج 2، ص 895.

2. همان، ج 3، ص 507.

3. مرعشی، ص 15.

4. احمدین عمر ابن رسته، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره چانلو، چاپ دوم (تهران: امیر کبیر، 1380)، ص 198.

5. محمد راوندی، *راحه الصدور و آیه السرور*، به کوشش محمد اقبال (تهران: اساطیر، 1386)، ص 366.

6. کریمان، ص 76.

7. پیرنیا، ج 3، ص 255.

رکن الدوله دیلمی با تصرف ری این شهر را مقر حکومتی خود کرد و در زمان آل بویه ری رونق بسیاری یافت. فخر الدوله دیلمی در ری فخر آباد را ساخت و دز رشکان را تجدید عمارت کرد و کاخهای بزرگی در آن ساخت¹ و مقر حکومتی خود را در آنجا قرار داد. همچنین کتابخانه بزرگی به وجود آمد که همانطور که ذکر شد محمود به غارت و تخریب آن پرداخت. طغرل اول سلجوقی نیز پس از تصرف ری و به اختیار درآوردن قلعه طبرک، ری را پایتخت کرد و فرمان داد تا خرابیهای ری را بازسازی کنند.² وی مسجد جامعی در ری و کاخی بیلاقی در تجریش فعلی، که از ولایات قصران بود، بنا کرد. برج طغرل یکی از آثار دوره سلجوقان در ری است که کماکان باقی مانده است. این برج که در مسافتی اندک در مشرق ابن بابویه واقع است. در زمان ناصرالدین شاه قاجار به دست امین السلطان وزیر ابنیه تعمیر و مرمت شد.³

کوهستان‌های ری به دلیل صعب‌العبور بودن و قله مرتفع آن محل مناسبی برای فراریان و شورشیان بود. براساس کتیبه بیستون فرورتیش مادی که از شورشیان اوایل سلطنت داریوش اول بود، پس از شکست با عده کمی از وفاداران به ری گریخت.⁴ اعراب مسلمان نیز نتوانستند به سرزمینهای کوهستانی ری نفوذ یابند و سالیانی طولانی ری به عنوان یکی از ثغور اسلام محل پادگانهای مسلمین علیه کوهستان نشینهای شمال ری بود. تا زمانی که علویان مخالف خلافت بین عباس کوهستانهای شمال ری و دیلم و طبرستان را پناهگاهی مناسب برای خود یافتند و به دعوت مردمان این نقاط پرداخته علیه بنی عباس علم مخالفت برافراشتند. از آن جمله علویانی بودند که در سال 203 ه.ق بعد از شهادت امام رضا (ع) به آن خطه پناه بردند: «چون خبر غدیری که با رضا علیه السلام کرده، به راه سادات رسید هر جا که بودند، پناه به کوهستان دیلمان و طبرستان و ری نهادند.»⁵

علویان در گسترش اسلام در این خطه نقش اساسی داشتند. به‌ویژه حسن بن زید نقش عمده ای در گرویدن مردم این خطه به تشیع داشت.⁶ گسترش تشیع به مناطق کوهستانی ری

1. حموی، ج 3، ص 855.

2. راوندی، ص 104.

3. کریمان، ص 466.

4. پیرنیا، ج 1، ص 543.

5. اولیاء الله املی، تاریخ رویان، به تصحیح و تحشیه: منوچهر ستوده (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1348)، ص 84.

6. ابن حوقل، ص 119.

محدود نبود و بخش عمده ای از شهر ری نیز شیعه بودند.¹ البته قسمتی از ری نیز سنی نشین بود و حنفی‌ها و شافعی‌ها در آن ساکن بودند. اختلافات و کشمکشهای مذهبی میان فرق مختلف در ری وجود داشت؛ به طوری که شافعی‌ها در تحریض مغولان به کشتار حنفیان ری نقش داشتند، سپس خود نیز طعمه شمشیر مغولان شدند.² پس از کشتاری که مغولان از مردم ری صورت دادند، ضربه عظیمی بر پیکره این شهر وارد شد و دیگر رونق و آبادانی خود را ازدست داد.³

عوامل تخریب کننده ری

بنابر آنچه که تحقیقات مسلم می‌سازد، دو عامل مخرب ری را از رونق انداختند که زلزله و جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها بودند.⁴ زلزله‌های مخربی، بارها ری را به ویرانی کشاند که از آن جمله می‌توان به زلزله در دوره حکومت سلوکوس اول، زلزله سال 236 ه. ق، سال 249 ه. ق، سال 346 ه. ق و زلزله سال 571 ه. ق اشاره کرد. این زلزله‌های باعث خرابی و تلفات زیادی در ری شد ولی هر بار به علت اهمیت سیاسی و اقتصادی، این شهر دوباره رونق خود را باز می‌یافت. سرانجام حمله مغول و کشتار مردم ری آنچنان به این شهر آسیب زد که زمانی که کلاویخو در سال 1404 م (اواخر 806 ق) از ری دیدار داشت درباره این شهر چنین نوشت: «بناهای شهری عظیم را دیدم که متروک مانده و ویران گشته بود. اما بسیاری از برجهای آن هنوز هم بر پا بود، و خرابه‌های چند مسجد را دیدیم. این آثار همان شهر ری است که در گذشته بزرگترین شهر همه آن منطقه بود. اما اکنون دیگر این شهر به کلی خالی از سکنه است.»⁵

شاردن سیاح فرانسوی دوره صفوی نیز از ویران و خراب بودن ری سخن گفته است.⁶ حسین کریمان نویسنده کتاب ری باستان معتقد است که عامل اصلی از رونق افتادن ری نه حمله مغول بلکه زلزله ای مخرب به روزگار تیمور گورکان است. ولی این زلزله نیز ری را خالی از سکنه نکرد. به طور کلی ری نه به شکل ناگهانی بلکه به تدریج رو به انهدام می‌رفت.⁷ یکی از عواملی که

1. مستوفی، ص 59.

2. غیاث الدین خواند میر، حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، به کوشش محمد دبیر سیاقی (تهران: خیام، 1362)، ص 32-33.

3. رازی، ج3، ص4.

4. محمد مراد بن عبدالرحمان، ص 134.

5. کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه: مسعود رجب نیا (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1337)، ص 175.

6. شاردن، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج3 (تهران: امیر کبیر، 1350)، ص 56.

7. کریمان، ج2، ص 438.

می‌توان برای از رونق افتادن ری مد نظر داشت زوال راه ابریشم و قطع شدن مراسلات جهانی این جاده با به کار افتادن کشتیهای تجارتي اسپانیا، فرانسه، انگلستان، پرتغال و هلند است که راه دریایی برای تجارت اروپائیان با آسیا به صرفه تری ساخت و از زمان صفویه به بعد تجارت دریایی صورت جدی و اساسی به خود گرفت و این امر سبب می شد تا دیگر کسی به فکر آبادانی و ساختن ری نباشد. از سوی دیگر با بزرگ شدن قصبه طهران و تبدیل شدن آن به کانون شهری منطقه ری و با تعیین تهران به عنوان پایتخت سلسله قاجاریه، ری به صورت یکی از توابع تهران پایتخت درآمد.

اهمیت مذهبی ری در تاریخ معاصر

از روزگار صفویه به بعد ری به علت قرار گرفتن حرم حضرت عبدالعظیم حسنی دارای اهمیت مذهبی شد و از روزگار قاجاریه به بعد به عنوان کانون مذهبی پایتخت ایران یعنی تهران در حوادث سیاسی تأثیرات اساسی برجای نهاد. ری از دوره باستان یکی از مراکز اصلی مذهبی ایران بود چنانکه در وندیداد آمده است: «دوازدهمین کشور با نزهت که من، اهورا مزدا، آفریدم، ری (رغه) با سه نژاد است.»¹ شهر ری در پیش از اسلام پایگاه بزرگ مغان و زرتشتیان بود² و نوعی حکومت دینی به رهبری موبدان موبد داشت³ در نظر ایرانیان باستان دغدویه مادر زرتشت اهل ری بوده است.⁴

ری در دوره اسلامی نیز اهمیت مذهبی خود را حفظ کرد به ویژه پس از آنکه حضرت عبدالعظیم حسنی در ری مدفون شد و شیعیان ساکن قسمتهایی عمده از ری شدند. حضرت عبدالعظیم فرزند عبدا... بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب است.⁵ وی در زمان امامهادی (ع) و در دوره خلافت المعتز عباسی از سامرا به ری هجرت کرد.⁶ وی در ری

1. جیمس دار مستتر، وندیداد اوستا، ترجمه موسی جوان (تهران: دنیای کتاب، 1382)، ص 69.

2. ابراهیم پور داوود، آناهیتا، تصحیح میترا مهر آبادی (تهران: افراسیاب، 1380)، ص 229.

3. محمد معین، مزدیسنا و ادب پارسی، ج 1، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1338، ص 157.

4. پور داوود، ص 229.

5. محمد باقر واعظ طهرانی، جنبه النعیم (روح و ریحان)، به کوشش سید صادق حسینی اشکوری، ج 1 (قم: دارالحدیث، 1382)،

ص 342.

6. همان، ج 3، ص 524.

درگذشت و در محلی به نام مشهد الشجره¹ یا مسجد شجره² به خاک سپرده شده و بقعه حضرت عبدالعظیم بارها مورد تجدید بنا قرار گرفت. مجد الملک براوستانی قمی وزیر سلجوقیان به مرمت بقعه پرداخت.³ حسام الدوله باوندی همه ساله دویست دینار برای مزار حضرت عبدالعظیم می فرستاد.⁴ شاه طهماسب صفوی نیز در سال 952 ه.ق به زیارت حضرت عبدالعظیم رفت.⁵ ناصرالدین ناصرالدین شاه نیز در سال 1270 ه.ق فرمان داد تا گنبد مرقد را تذهیب و ایوان را آینه کاری کنند.⁶ ضریح نقره نیز به دستور فتحعلی شاه قاجار ساخته شد و آینه کاری و نقاشی ایوان جنوبی نیز توسط میرزا آقاخان نوری صدر اعظم ناصرالدین شاه انجام شد.⁷

اعتبار مذهبی ری در تاریخ معاصر به میزانی بود که در دوره قاجاریه معترضین سیاسی از بست نشینی در آن حرم برای پیش بردن مقاصد سیاسی خود بهره می گرفتند. شاهان قاجاری نیز جهت انجام زیارت و شکر گذاری به حرم حضرت عبدالعظیم می آمدند. ناصرالدین شاه قاجار در پنجاهمین سال سلطنتش برای شکر گزاری راهی ری شد و در حرم عبدالعظیم به سال 1313 ه.ق مورد سوء قصد میرزا رضا کرمانی قرار گرفت و کشته شد. در دوره مشروطه ری نقش ویژه ای در موفقیت مشروطه خواهان ایفا کرد مشروطه خواهان با تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم توانستند حکم تاسیس عدالتخانه را از مظفرالدین شاه بگیرند.⁸ بدین ترتیب ری در تاریخ معاصر به صورت قطب مذهبی پایتخت درآمد.

نتیجه گیری

ری از مهمترین نقاط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در تاریخ چند هزار ساله این مرز و بوم است. این اهمیت ناشی و برآمده از موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی ری می باشد. قرار

1. ابونصر بخاری، سرالانساب، تحقیق سید مهدی الرجائی (قم: مکتبه سماحه آیه ... العظمی المرعشی النجفی الکبری، 1389)، ص 52.
2. مظاهر حبیب پور، ریاض الانساب (بیمبئی: مطبع داوودی، 1335 ه.ق)، ص 121.
3. عبد الجلیل رازی، نقض، به تصحیح میر جلال الدین محدث (تهران: انجمن آثار ملی، 1358)، صص 219_220.
4. ابن اسفندیار، ص 120.
5. احمد غفاری، تاریخ جهان آرا، به کوشش مجتبی مینوی (تهران: اسلامیه، 1343)، ص 296.
6. فرهاد میرزا معتمد الدوله، جام جم، تهران، چاپ سنگی، 1272 ه.ق، (نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره بازیابی 141 ط).
7. علی اکبر شهبائی، تاریخچه وقف در اسلام (تهران: دانشگاه تهران، 1343)، ص 68.
8. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، چاپ سیزدهم، (تهران: 1356)، ص 71.

گرفتن ری میان کویر و سلسله جبال البرز به لحاظ آب و هوایی شرایطی مساعد برای کشاورزی در ری پدیده آورده است. از سوی دیگر این کوهستان‌ها پناهگاهی امن برای تمام کسانی بود که بدان پناه می بردند و شرایطی را فراهم می آورد تا با تاسیس استحکامات ویژه برکناره اش، ری را به دژی تسخیر ناپذیر بدل سازد. قرار گرفتن ری در محلی که پل ارتباط میان شرق و غرب است باعث رونق تجاری و مرکزیت سیاسی ری شد. ولی همین موقعیت ویژه ارتباطی ری گاه به خطر تبدیل می شد که همان یورش مهاجمان و مدعیان قدرت بود. این حملات با خود ویرانی و کشتار را به ارمغان می آورد. از سوی دیگر قرار گرفتن ری بر روی گسل‌های زلزله این شهر را به محلی زلزله خیز بدل ساخته بود. که هر چند سال با زلزله ای مخرب روبرو بود، ولی تا زمانی که اهمیت تجارتی ری با انحطاط راه ابریشم کاهش نیافت، عوامل مخرب نتوانست از رونق گرفتن دوباره ری جلوگیری کند. زمانی که ری رونق اقتصادی و مرکزیت سیاسی خود را در طی چند سده به یکی از قصبات خود یعنی تهران وانهاد مقبره حضرت عبدالعظیم حسنی توانست این شهر را به عنوان قطب مذهبی پایتخت برکشد.

کتابنامه

- آملی، اولیاء الله. تاریخ رویان. به کوشش: منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1348.
- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان. ج 1. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. به اهتمام محمد رضانی. تهران: خاور، 1320.
- ابن جوزی، عبد الرحمن. المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. جزء الثامن. حیدر آباد رکن: مطبوعه دایره المعارف العثمانیه، 1359 ه.ق.
- ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض). ترجمه جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر، 1366.
- ابن خلدون، عبد الرحمن. العبر. ترجمه: عبدالمحمد آیتی. ج 3. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1366.
- ابن رسته، احمد بن عمر. الاعلاق النفیسه. ترجمه: حسین قره چانلو. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر، 1380.
- ابن فقیه همدانی، ابراهیم. مختصر کتاب البلدان. لیدن: مطبع بریل، 1302 ه.ق.
- ابن فندق بیهقی، ابوالحسن. تاریخ بیهقی. به کوشش احمد بهمنیار. چاپ دوم. تهران: فروغی، بی تا.
- ابن مسکویه، ابوعلی. تجارب الامم. ترجمه: علی نقی منزوی. ج 5. تهران: توس، 1367.
- ابودلف، سفرنامه ابودولف در ایران. به کوشش: ولادمیر مینورسکی. ترجمه: ابوالفضل طباطبایی. تهران: فرهنگ ایران زمین، 1342.

استخری، ابوالاسحاق ابراهیم. مسالک و ممالک. به کوشش: ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1347.

اعتماد السلطنه (صنیع الدوله)، محمدحسن خان. مرآت البلدان. به کوشش: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. ج 4. تهران: دانشگاه تهران، 1368.

بخاری، ابونصر. سرالانساب. تحقیق: سید مهدی الرجائی. قم: مکتبه سماحه آیه ... العظمی المرعشی النجفی الکبری، 1389.

بلا ذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان. ترجمه: آذرتاش آذرنوش. به تصحیح محمد فروزان. چاپ دوم. تهران: سروش، 1364.

بلخی، جلال الدین محمد. دیوان شمسی تبریزی. به کوشش: م. درویش. ج 1. چاپ دوازدهم. تهران: جاویدان، 1375.

_____ . مثنوی معنوی. به اهتمام: رینولد نیکلسن. چاپ پانزدهم. تهران: امیر کبیر، 1383.

بلعمی، ابوالعلی. تاریخ بلعمی. به تصحیح محمد تقی ملک الشعرا بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. چاپ چهارم. تهران: زوار، 1388.

بیرونی، ابوریحان. آثار الباقیه عن القرون الخالیه. ترجمه: اکبر دانا سرشت. چاپ ششم. تهران: امیر کبیر، 1389.

بیهقی، ابوالفضل. تاریخ بیهقی. به کوشش خلیل خطیب رهبر. ج 2. چاپ دهم. تهران: نشر مهتاب، 1385.

پورداوود، ابراهیم، آناهیتا. به تصحیح میترا مهرآبادی. تهران: افراسیاب، 1380.

پوپ، آرتور آپهام. شاهکارهای هنر ایران. ترجمه و نگارش: پرویز ناتل خانلری. تهران: صفی علیشاه، 1338.

پیرنیا، حسن. ایران باستان. چاپ دوم. تهران: زرین، 1382.

ثعالی، ابومنصور. تاریخ غرر السیر. طهران: مکتبه الاسدی، 1963 م.

جکسن، ابراهام ویلیامز. سفرنامه جکسن. ترجمه منوچهر امیری. فریدون بدره ای. تهران: خوارزمی، 1352.

جوینی، عطاملک. تاریخ جهانگشای جوینی. به کوشش محمد قزوینی. ج 2. چاپ چهارم. تهران: دنیای کتاب، 1385.

حبیب پور، مظاهر. ریاض الانساب. بمبئی. مطبعه داوودی، 1335 ه.ق.

حدود العالم من المشرق الی المغرب. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران، 1340.

حموی، یاقوت. معجم البلدان. طهران. مکتبه الاسلامی، 1965 م.

خاقانی شروانی، فضل الدین. دیوان خاقانی شروانی. به کوشش ضیاء الدین سجادی. تهران: زوار، بی تا.

خواندمیر، غیاث الدین. حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام، 1362.

دیاکونف، ایگور. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی، 1377.

دینوری، احمد بن داوود. اخبار الطوال. ترجمه: محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی، 1366.

رازی، امین احمد. هفت اقلیم. به کوشش. جواد فاضل. ج 2 و 3. تهران: علمی. ادبیه. بی تا.

- رازی، نجم الدین دایه. مرصاد العباد. به اهتمام: محمد امین ریاحی. تهران: علمی و فرهنگی، 1384.
- راوندی، محمد. راحه الصدور و آیه السرور. به کوشش: محمد اقبال. تهران: اساطیر، 1386.
- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم. الانساب. تقدیم و تعلیق. عبدا... عمر البارودی. ج 3. بیروت: دارالجنان، 1988 م.
- شاردن، سیاحتنامه شاردن. ترجمه: محمد عباسی. ج 3. تهران: امیر کبیر، 1350.
- شهبابی، علی اکبر. تاریخچه وقف در اسلام. تهران: دانشگاه تهران، 1343.
- شیروانی، زین العابدین. ریاض السیاحه. به کوشش: اصغر حامد (دریانی). تهران: سعدی، 1339.
- طبری، محمد بن جریر. تاریخ الرسل و الملوک. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ ششم. تهران: اساطیر، 1383.
- طهرانی مازندرانی، محمد باقر واعظ. جنه النعیم (روح و ریحان). به کوشش سید صادق حسینی اشکوری. ج 1 و 3. قم: دارالحدیث، 1382.
- غفاری، قاضی احمد. تاریخ جهان آرا. به کوشش مجتبی مینوی. تهران: اسلامیة، 1343.
- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی. دیوان فرخی سیستانی. به کوشش محمد دبیر سیاقی. چاپ دوم. تهران: زوار، 1349.
- فرهاد میرزا معتمد الدوله. جام جم. تهران: چاپ سنگی، 1272 ه.ق.
- گردنامه اردشیر بابکان. به اهتمام محمد جواد مشکور. تهران: دنیای کتاب، 1369.
- کالج، مالکوم. تاریخ اجتماعی پارتیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: دنیای کتاب، 1374.
- کریستین سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه: رشید یاسمی. چاپ سوم. تهران: صدای معاصر. ساحل، 1382.
- کریمان، حسین. ری باستان. ج 1. تهران: انجمن آثار ملی، 1345، ج 2، 1349.
- کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران. چاپ سیزدهم. تهران: امیر کبیر، 1356.
- کلاویخو. سفرنامه کلاویخو. ترجمه: مسعود رجب نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1337.
- گردیزی، عبدالحی. زین الاخبار. به کوشش عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب، 1363.
- گیریشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه: محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی، 1383.
- مجملة التواریخ و القصص. به تصحیح: محمد تقی بهار (ملک الشعرا) به کوشش: محمد رضانی. تهران: خاور، 1318.
- محمد مراد بن عبد الرحمن. آثار البلاد و اخبار العباد. به تصحیح سید محمد شاهمرادی. ج 2. تهران: دانشگاه تهران، 1373.
- مرعشی، سید ظهیرالدین. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. به اهتمام برنهارد دارن. تهران: گستره، 1362.
- مستوفی، حمدالله نزهت القلوب (مقاله سوم). به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: طهوری، 1336.
- معین، محمد. مزدیسنا و ادب پارسی. ج 1. تهران: دانشگاه تهران، 1338.
- مقدسی، ابو عبدا... محمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه: علی نقی منزوی. ج 2. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، 1361.

مقدسی، مطهر بن طاهر. *البداء و التاریخ (آفرینش و تاریخ)*. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. ج 4. تهران. بنیاد فرهنگ ایران، 1350.

دارمستتر، جیمس. *وندیداد اوستا (مجموعه قوانین زرتشت)*. ترجمه: موسی جوان. تهران: دنیای کتاب، 1382.
همدانی، محمد بن محمود. *عجایب نامه*. به کوشش: جعفر مدرسی صادقی. تهران. مرکز، 1375.
یعقوبی، این واضح (احمد بن ابی یعقوب). *البلدان*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1347.

_____ . *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. ج 2. تهران: علمی و فرهنگی، 1374.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی